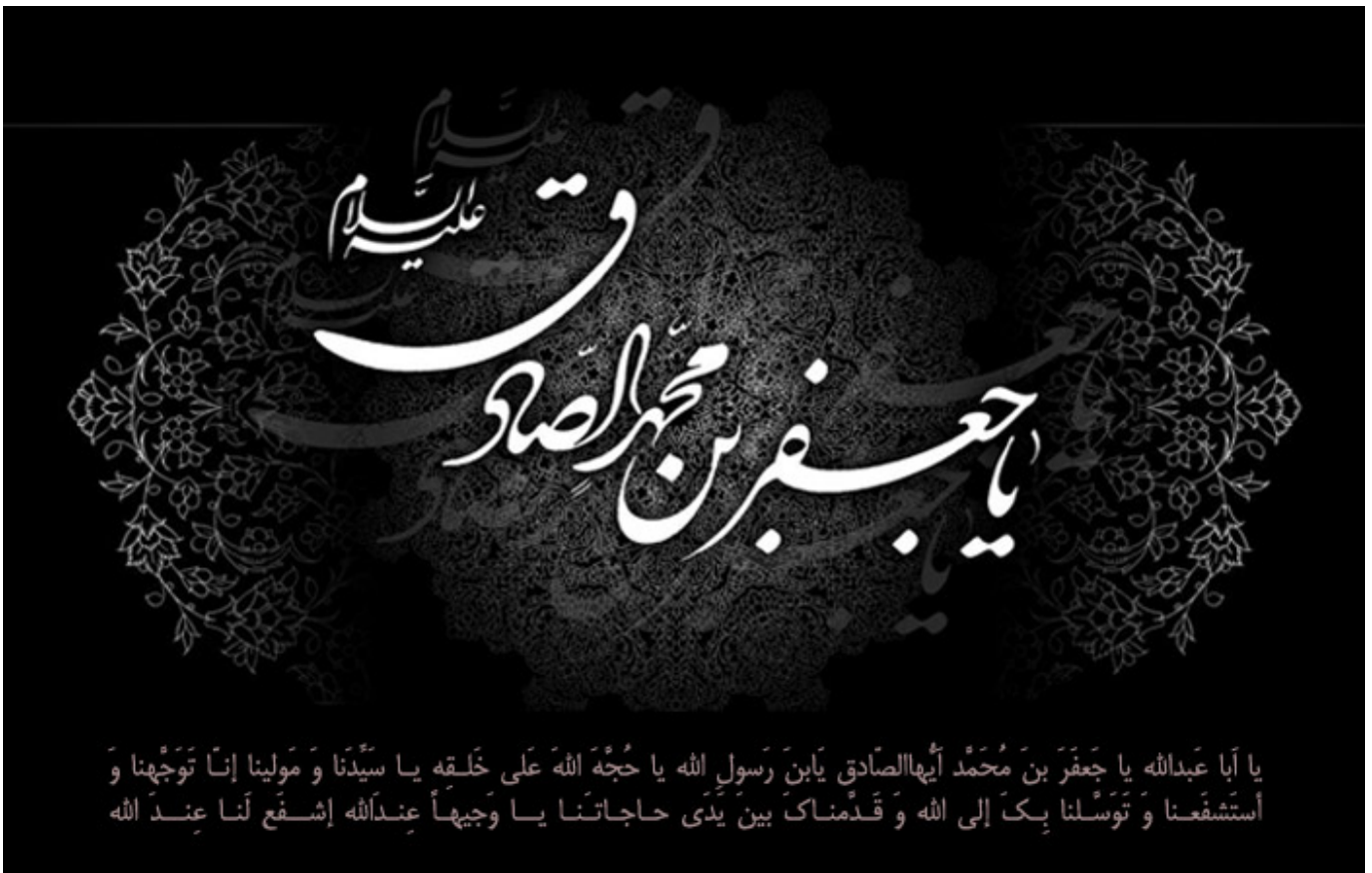


صادق آل محمد (علیهم السلام)



صادق آل محمد (علیهم السلام)

□□□□:هـ

جعفر بن محمد بن علی بن حسن معروف به امام صادق (ع) درش امام باقر (ع) و مادرش ام فروه است.

امام صادق (ع) در □□ سال □□ به امامت رسید و دوران امامتش □□ سال طول کشید. ایشان در دوران □□ به امامت رسید □□ حکومت اموی وضع شده بود و □□ روها □□ مختلف دست به قلام مآز دند؛ اما امام صادق (ع)

این گروه‌ها را تا حدی که نمی‌تواند برآورد که آنان می‌خواستند خود، حکومت را به دست ببرند، نه آنکه خواهان زدودن بدعت و زنده کردن دین خدا باشند. امام صادق(ع) در آن شرایط، نشر فقه آل محمد(ص) و علوم اهل بیت را مقدم‌تر از آن اندازه که امروزه بیشتر احادیث شیعیه از امام صادق(ع) است و شیعیه به نام جعفر که شناخته می‌شود. امام صادق(ع) علاوه بر مباحث فقهی، مناظرات کلامی نیز با یاران دین فرقه‌ها داشت و به دلیل دانش استردها که داشت، جلسات درس و بیس‌مار بر رونق بود و افراد با کلاس‌ها مختلف در درس و حضور می‌افتند تا جایی که تعداد شاگردان و کلاس‌ها را نمی‌تواند برده‌اند.

آن حضرت در سال ۳۳ هجری قمری به واسطه منصور عباسی مسموم و شهید و در قبرستان بقیع دفن شد. شیعان پس از شهادت ایشان به چهار گروه تقسیم شدند: گروهی معتقد به امامت امام باقر(ع) شدند و بقیع، هسته اولیه فرقه‌ها اسماعیلیه، فطویه و ناووسیه را شکل دادند.

ولادت تا شهادت

امام صادق، در ربیع‌الاول سال (80 هـ) (هـ.ق) در مدینه به دنیا آمد و در ۱۱ شوال سال ۳۳ (هـ.ق) در ۱۱ سالگی همان‌جا در گذشت و در قبرستان بقیع در کنار پدرش، امام باقر و جدش، امام سجاد(ع) و امام حسن(ع) دفن شد. (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 399؛ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۳)

در الفصول المهمة و مصباح فعمم (مجلس، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۰۰؛ به نقل از: شهید، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد(ع)، ۳۳۳، ص ۱۰۰) و نیز در کتاب‌ها دیگر آمده است که به امام زهر خوراندند. ابن شهر آشوب در مناقب نوشته است ابو جعفر منصور او را زهر خوراند، (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۰۰؛ به نقل از: شهید، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد(ع)، ۳۳۳، ص ۱۰۰) زیرا با شیعیان که منصور از او داشت و بلی که از رو آوردن مردم بدو در دل و راه یافته بود، آسوده نمی‌نشست. منصور پس بود که حدیث به سنان که برای به خلافت رساندن او ووشش کردند، نیز رحم نکرد و حتی ابو مسلم خراسانی را که در بر این دولت عباسیان تلاش بسیار کرده بود، به قتل رساند. (شهید، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد(ع)، ۳۳۳، ص ۱۰۰)

همسران و فرزندان

امام صادق (ع) دارا همسران بودند فاطمه دختر حسن بن علی بن حسن که مادر سه فرزند به نام‌ها اسماعیل، عبدالله، ام فروة بوده است، و حمیده بربر که مادر سه فرزند موسی (امام ناظم علیه السلام)، اسحاق و محمد بوده است (الطبرسی، ج ۱، ص ۳۰۰). ق، ص ۳۰۰) و زنا که مادران بقیه فرزندان و بوده‌اند که شیخ مفید برای امام صادق (ع) فرزند را نام می‌برد. (مفید، الارشاد، ص ۳۰۰، ج ۱، ص ۳۰۰)

امامت

مدت امامت امام صادق (ع) ۳۳ سال بود (مفید، الارشاد، ص ۳۰۰، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۰) که هفت خلافت اموی (هشام بن عبدالملک، ولید بن ولید، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید، مروان حمار) و خلافت عباسی (سفاح و منصور دوانلق) در آن دوران، حکومت می‌کردند (الطبرسی، ج ۱، ص ۳۰۰، ق، ص ۳۰۰)

امام صادق (ع) در دوران امامت خویش، در شهر مدینه ساکن بود و البته حداقل ۳۳ بار از سوی منصور به عراق احضار شده، و به همراه صفوان جمال بدانجا رفته (ر.ت: الثقفه، الغارات، ص ۳۰۰، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۰) و آنجا (حیره، در نزدیکی لوفه) (شهدت، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد (ع)، ص ۳۰۰) (ناکار به اقامت شده است. (شهرستان، الملل و انحل، ص ۳۰۰؛ به نقل از مفید، جعفر صادق (ع)، امام، ص ۳۰۰)

دلایل امامت

در منابع بر این نکته تأکید شده که وصیت امام باقر (ع) به فرزندش جعفر، وصیت آشکار و «جلال» بوده است. بنابراین نفر از اصحاب امام باقر (ع) روایت از ایشان درباره امامت فرزندش «جعفر» نقل کرده‌اند که از جمله آنها هشام بن سالم، ابوالصباح ثنائی، جابر بن یزید جعفی، عبدالاعلی مولا آل سام، هستند. (مفید، الارشاد، ص ۳۰۰، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۰)

شیخ مفید مینویسد: علاوه بر وصالت امام باقر (ع) نسبت به امامت فرزندش جعفر، افضل بودن و به لحاظ برتری در علم و زهد و عمل بر همه برادران و عموزادگان و سایر مردم روز شورش، بر امامت و دلالت میکنند. (مفید، الارشاد، شیخ، ج ۱، ص ۳۳۳)

نهضت علم

دسترس مردم به امامان از سال ۳۳ هجری قمری تا نزدیکی به ۱۰۰ سال سده نخستین هجرت، بسیار محدود بود و جز معدودی از صحابه و تابعان، مردم از دانش آل محمد (ص) بی بهره بودند. در روزگار امام باقر (ع) اندکی شایع شد آمد. دوران امام صادق (ع) مصادف بود با ضعف شدن و سپس درهم ریختن حکومت مروانگان، در این دوره همگان آزادانه سراسر فراهم آمد و در گوشه و کنار مقدمات قیامها دین و دستهبندی علاقه حاکمان آماده گردید، آزادان در بحثها علم در شاخهها توانا و ناز آمد آمد. (ر.ه): شهید، زندگان امام صادق جعفر بن محمد (ع)، شیخ، ص ۳۳-۳۴)

امام صادق (ع) در راستای نهضت علم خود سه راهکار در پیش گرفت:

۱. تشکیل جلسات عمومی درس که در مسجد رسول خدا (ص) برگزار میشد و ورود به آن برای همه از شایعه و اهل سنت و غیر آنان آزاد بود.

۲. تشکیل مجالس خصوصی که اغلب در منزل آن حضرت برگزار میشد و فقط افراد خاص در آن شرکت میکردند.

۳. تربیت شاگردان توانا در بحث و مناظره هم چون هشام بن حنبل و مومن الطاق که همه جا مکتب امام را تبلیغ میکردند. (قریبی، نقش امام صادق در تربیت محدثان، مجموعه مقالات همایش امام جعفر صادق، ص ۳۳۳)

فقه جعفر

امام جعفر صادق(ع) بالاترین شخصیت در شلّی در مذهب فقهِ امامیه است. تا آنجا که به منابع نقلی امامیه مربوط میشود، که در مباحث اصول دین و که در مباحث فروع دین، همواره اقوال و احادیث امام صادق(ع)، بخش غالب را تشکیل داده است. (کتابخانه، امام جعفر صادق، دائرة المعارف بزرگ اسلام، ج ۳ ص ۳۳۳) از این روست که انتساب شیعه و فقه شیعه به امام صادق، در شمار مشهورات قرار گرفته است. حتی در عصر خود امام نیز همین انتساب، که از ملاها در تعرف شیعه دانسته شده است: برای نمونه از ابان بن تغلب نقل شده است که «شیعه سازند که چون مردم در سخن رسول خدا(ص) اختلاف کنند، سخن علامه(ع) را مکتوب کنند و آنرا که در سخن علامه اختلاف ورزند، سخن جعفر بن محمد(ع) را مکتوب کنند.» (رجال نجاشی، ص ۳۳)

در زمان امام صادق، ظنون عقلا جای نصوص و مستندات شرعی را گرفته و قیاس و استحسان و استصلاح، تأویل و تأول توسعه یافته بود. از این رو که از محورهای اصلا تلاش عملی و مباحثات نظری امام صادق، تبیین اجتهاد صحیح و نفاذ اجتهاد رأی محورا و قیاس مدار بود و امام با این گونه تفکرات به مقابله صریح مکتوب پرداخت. (مکتبخانه، امام صادق(ع) و نظام ساز در اجتهاد، فقه و حقوق خانواده، شماره ۳، ص ۳۳)

زبیر بن عوف را مکتوب کرد: ابوحنیفه با امام صادق ملاقاتها متعدد داشت و در این ملاقاتها امام به او فرمود: از خدا بترس و در دین قیاس مکن که نخستین کسی که قیاس کرد شیطان بود. خدا به شیطان فرمود: آدم را سجده کن. گفت: من از او بهترم؛ مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌اند. (اعراف/۳۳) سپس امام از ابوحنیفه پرسید:

-قتل نفس مهم‌تر است یا زنا؟

-قتل نفس!

-اگر قتل نفس با دو نواه ثابت میشود، زنا با چهار نواه؛ با قیاس که مکتوب؟ روزه نزد خدا بزرگ‌تر است یا نماز؟

-نماز!

-را زن بون عادت مبلد روزه را با قضا کند و نماز را نه؟... بند خدا از خدا بترس و قاس ملن. (الاخبار الموفقات، ص-ص، ابو نعلم اصفهان، حلة الاولاء، ج، ص به نقل از: شهید، زندان امام صادق جعفر بن محمد(ع)، ص ش، ص)

ذهب از ابوحنفہ آورده است: فقہتر از جعفر بن محمد نددم و او داناتر ان فرد امت است. (شمس الدین ذهب، تذكرة الحفاظ، ج، ص به نقل از شهید، زندان امام صادق جعفر بن محمد(ع)، ص ش، ص)

مال بن انس از چهار نشوا مذاهب اربعه اهل سنت گفته است در فضل و علم و رسا، برتر از او ندده است. (شهید، زندان امام صادق جعفر بن محمد(ع)، ص ش، ص)

امام صادق (ع) السلام و علم لام

امام صادق(ع) با شمار از متلمان مذاهب و ادان مختلف بحث و مناظره داشته، و به اقتضا ماهت مناظرات لام در ان مباحثات روملا متلمانه اتخاذ کرده است. در متون حدیث شعه، مناظرات متعدد از حضرت در برابر ساند بون ابن اب العوجاء، زندق مصر، عبدالله دصان، متلم شام و جز انان ثبت شده است. همذین با د به ربرد سترده مفاهم لام در سخنان منقول از حضرت اشاره رد له نشان از نوع رورده خوشبنانه نسبت به دانش لام دارد. برخ از اصحاب نزد حضرت هم بون مؤمن طاق، حمران بن اعین، قاس ماصر و هشام بن حلم از متلمان بودند. (ص ش، ص) جعفر صادق(ع)، امام، در دائرة المعارف بزر اسلام، ج، ص)

لانذ به اسناد خود از بونس بن یعقوب روات نند: نزد ابو عبدالله (ع) امام صادق) بودم، مرد شام وارد شد و گفت: من از لام، فقه و فرائض برخوردارم و آمده ام با اصحاب تو مناظره نم.

امام فرمود: لام تو از لام رسول الله است از خودت؟

-از ﻻم رسول الله و ﻻم خودم.

-س تو شر ﻻ رسول الله هستی؟

-نه.

-از خدا عزوجل و حد شنیده‌ای و او تو را خبر داده است؟

-نه.

-طاعت تو هم‌اکنون طاعت رسول خدا واجب است؟

- نه.

ابو عبدالله متوجه من شد و گفت: بونس! این مرد پیش از آنکه در ﻻم در آمد خصم خود کرد. اگر ﻻم را ندانم و بدانم با او گفتگو کن.

من حسرت خوردم که علم ﻻم نماند. پس گفتم: فدای شوم شنیدم از درآمدن در بحث ﻻم نه مگر مرد و مگر گفت و او بر متکلمان که مملو شدند این پذیرفته است و آن نه. این درست است و دیگر نه. این را به حلم عقل قبول دارم و آن را نه.

امام گفت: گفتم و او بر آنان اگر سخن مرا (آنکه در ما اهل بیت است) و اذکارند و به را و نظر خود سخن بگویند (جدال پیش ببرند). سپس فرمود: بلرون برو و ببین از متکلمان کسی را ممانند.

رفتم و حمران بن اعین و احوال (محمد بن نعمان مشهور به مؤمن الطاق) و هشام بن سالم را آوردم و آنان ﻻم را ندانستند. و قیس بن ناصر را که به نظر من از آنان ﻻم را کمتر بدانست و ﻻم

را از علاء بن حسن (ع) آموخته بود آوردم. هشام بن حاتم نازل که تازه جوان بود رسد. امام صادق (ع) او را جا داد و به او فرمود: تو راور ما به دل و زبان و دستت هست. آنلاه به حمران و مؤمن الطاق فرمود با او مناظره کنند. آنان بر و روز شدند. سلس به هشام بن سالم فرمود: با او مناظره کن! او نازل مناظره کرد. آنلاه نوبت هشام بن حاتم رسد. مرد شام نخست درباره امامت امام صادق (ع) پرسش کرد که هشام را غضبنا ساخت.

سلس هشام از او پرسد: هرردار تو از حال آفردهاش آهتر است یا آفرده از حال خودش؟

هرردارم نوتر مانهرد.

-برای آنان که کرده؟

-حجت و دلیل بر ما داشته تا براننده نشوند و آنان را بدان که از جانب او واجب است خبر داده.

-آن حجت چیست؟

-رسول خدا!

-و پس از او؟

-کتاب و سنت.

-آیا کتاب و سنت در رفع اختلاف برای ما سود داشته؟

-آری!

- پس چرا ما و تو با هم اختلاف داریم و تو از شام آمده‌ای تا با ما مناظره کنی؟

شام خاموش ماند. در آنجا امام صادق(ع) از شام پرسید: چرا سخن نمی‌گوئی؟ شام گفت: اگر بگویم اختلاف ندارم دروغ گفته‌ام، و اگر بگویم کتاب و سنت اختلاف را از میان ما برمی‌دارد سخن باطل گفته‌ام و اگر بگویم اختلاف داریم و هر دو از ما مدعی حق است، فایده کتاب و سنت از میان می‌رود. اما از سخن او علاقه و دلگیری ندارم.

امام گفت: بپرس، او را توانا و آگاه خواهیم یافت.

مرد شامی: خدا در کار بندگانش زودتر می‌گذرد تا بندگانش او؟

-خدا!

-آیا حجته را بر ایشان بر ما کرده که آنان را سخن نند و از حق و باطل آگاهشان سازد.

-در زمان رسول الله تا اکنون؟

-در زمان رسول خدا، رسول خدا، و اما امروز؟

-هشام گفت: این مرد که از هر سو بدو رو می‌آورند و او تو را از هر که خواهد خبر می‌دهد.

در میان آن، آن مرد، امامت امام را پذیرفت. (علامه، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۴ و ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۴ و ارباب، شرف الغمة، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۴ و طبرسی، اعلام الورع، ص ۳۳۳-۳۳۴ به نقل از: شهید، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد(ع)، ص ۳۳۳، ش، ص ۳۳۳)

فعالیت اجتماعی و سیاسی

از مجموع زندگان امام صادق (علیه السلام) برآمد که امام خود را از عرصه سیاست دور نگاه میداشت و این موضع خود را در هر دو دوره اموی و عباسی حفظ کرد. امام در پاسخ به کسانی که ایشان را به قتل ترغیب میکردند، اندک بودن یاوران راستین را علت قتل نام نبردن خود میشمرد. این شهر آشوب نقل کرده است روزی مردی خراسانی نزد حضرت آمد و گفت شما صد هزار یاور دارید، چرا قتل نمیدانید؟ حضرت دستور داد تنور از آتش فراهم شود. سپس از آن مرد خواست وارد تنور شود و او نپذیرفت. اندکی بعد هارون یکی از اصحاب امام وارد شد و امام از او خواست وارد تنور شود و او بپذیرد و وارد تنور شد. امام از آن مرد پرسید در خراسان چند نفر مانند او هست؟ آن مرد گفت حتی یک نفر هم نیست. امام فرمود تا زمانی که پنج نفر از زندگان نداشته باشم قتل نمیدانم. پس از این گفتگو هارون سالم از تنور بیرون آمد. (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۱، ص ۳۳۳)

با این حال آن حضرت در علل نارسایی از عرصه رقابت سیاسی، نسبت به شرایط جامعه و سرنوشت آن بسیار حساس بود و در بین آموزه‌ها و مسائلی همگون رعایت عدالت و ادامه در حکومت، مشورت با مردم و توجه به خواسته‌ها آنان، به حاکمرانان آموزش داده است. (التهذیب، امام جعفر صادق، دایره المعارف بزرگ اسلام، ج ۳، ص ۳۳۳-۳۳۴)

از نظر فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، میتوان زندگان امام صادق را به دو بخش تقسیم کرد: دوره امویان و دوره عباسیان

امام صادق (علیه السلام) در دوره امویان

سالها ۳۳۳-۳۳۴ ق. بعد از سالها آغازین امامت حضرت، مصادف بود با نهمین سال اخراج حکومت هشام بن عبدالملک (حکومت: ۳۳۳-۳۳۴ ق) خلفه اموی، در این دوره زمینه برای قتلها و ضد اموی با اندیشه مذهبی فراهم شده بود. در راس این قتلها قتل بن علی در ۳۳۳ ق و قتل حاکم بن زید در ۳۳۳ ق بود و از آنجا که زید، عمو و جدی سر عمو حضرت بود، حضرت نمیتوانست نسبت به قتل آنها بی تفاوت باشد.

از مضمون برخی روایات‌ها می‌توان دریافت که قلام زید بن علی مورد تأیید امام صادق (ع) بوده است
چنان‌که صدوق در علون اخبار الرضا آورده است که امام صادق فرمود:

خدا عمویم زید را بلامرزد! او مردم را به الرضا من آل محمد می‌خواند و اگر روزی می‌شد به وعده وفا
می‌کرد. چون می‌خواست خروج کند با من مشورت کرد. به او گفتم: عمو! اگر راضی می‌شوی که شسته گردی و
در تناسه لوفه برآرد شو، خود می‌دانی. (صدوق علون اخبار الرضا، ج ۱، صص ۳۳۳-۳۳۴ به نقل از شهید، زندگانی امام
صادق جعفر بن محمد (ع)، ۳۳۳ ش، ص ۳۳)

در علین حال برخی از منابع متقدم تصریح کرده‌اند که امام با اصل این قلام‌ها موافق نبود و از آن نهی
می‌کرد. (صدوق، املاء، ص ۳۳) در مورد قلام حدیث بن زید نیز نقل شده است که امام به نامه‌ای به حدیث نوشت و
با آسایش کردن او از این‌که هم‌لین درش شسته خواهد شد، او را از قلام باز داشت. (صابر، تاریخ فرق
اسلام، ج ۱، ص ۳۳، به نقل از الحیاه السلسله و الفکره للزیدیه فی المشرق الاسلام، ص ۳۳-۳۳ و الوافه بالوفیات، ج ۱،
ص ۳۳-۳۳)

بر همین اساس بود که جز چند تن نادر، پس از اصحاب امام در قلام زید شرکت نکرد (شبه، ج ۱، ص ۳۳،
صدوق، املاء، ۳۳۳-۳۳۳) و دست‌آورد خلافت نیز که از موضع امام نسبت به قلام آسایش بود، پس از سرلوب قلام،
مزاحمتی برای امام ایجاد نکرد.

امام صادق (علیه السلام) در دوره عباسیان

در آستانه خلافت عباسی بزرگان این خاندان، با امام صادق روابط سرد و غریبانه داشتند و حتی
منصور عباسی امام را تمجید می‌کرد. (ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۳۳۳-۳۳۳)

موج اول از فشار عباسیان بر حضرت، مربوط به دو سال اول خلافت عباسی است که هنوز اطمینان از
جانب حضرت برای آنان جلب نشده بود. چند ماه پس از بروز عباسیان بر امویان در سال ۳۳ هجری،
ابوسلمه خلال مشهور به وزیر آل محمد که پیش‌تر داعی عباسیان بود، گوشه‌تا در برابر عباسیان،

شاخه‌ها علو از بنده هاشم را تقویات کند و به خلافت برساند. او ابتدا به امام صادق (ع) شنهاد خلافت داد و امام به صراحت آن را رد کرد و از همراهی با او اجتناب ورزید. (ابن طقطقه، الفخر فی الاداب السلطانیه، ص ۳۳۳-۳۳۴) حتی وقت ابوسلمه شنهاد خود را به عبدالله محض ارائه داد و عبدالله برای مشورت نزد حضرت آمد، امام او را از پذیرش آن برهیز داد. (مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۳۳)

سال ۳۳۳ ق. نلز بسام بن ابراهیم تصمیم گرفت بر ضد بن عباس خروج کند و نامه‌ها به امام نوشت و وعده داد که اگر تامل به خلافت داشته باشد، او میتواند از اهالی خراسان برای او بلیعت بگیرد، اما امام ابن شنهاد را توطئه دانست و خلافت را از نلت بسام آماه ساخت. (بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۴)

بدین ترتیب دولت عباسی اطمینان نسبی یافته بود که امام انزه قمام و خلافت ندارد. هر چند در سال‌ها سالانده خلافت سفاح و سال‌ها آغازین خلافت منصور دوانلقه نوع آشد و تحمل متقابل میان امام و دست‌آه حاکم وجود داشت، و حضرت به هر مناسبتی به نقد جبارت (ابونعمان، حلیة الابرار، ج ۱، ص ۳۳۳؛ ابن طلحه، مطالب السوول، ص ۳۳۳) و دنلاطلب (طبری، تاریخ الطبریه، ص ۳۳۳ ق، ج ۱، ص ۳۳۳؛ ابن طقطقه، الفخر فی الاداب السلطانیه، ص ۳۳۳) منصور مبرداخت و رو آوردن به سلاطین را نوهش مبررد. (ذهبی، سیر اعلام النبلا، ج ۱، ص ۳۳۳)

قمام فرزندان عبدالله محض

در اواخر حکومت امویان عدلا از بنده هاشم از جمله عبدالله محض و سرانش و هم‌نیلن سفاح و منصور در ابواء کرد هم آمدند تا با او از خودشان بلیعت کنند. در آن جلسه عبدالله، سرش محمد را به عنوان مهد معرفت کرد و آنان را به بلیعت با او فراخواند. امام صادق (ع) وقت از قصد آنان با خبر شد فرمود:

نیلن ملامد که هنوز وقت این بار (ظهور مهدی) نیست و به عبد الله نلز گفت: اگر ملامدار بسرت مهدی است، او مهدی نیست و انون نلز هنگام ظهور مهدی نیست. و اگر برای خدا و امر به معروف و نهی از منکر قمام ملامد، به خدا تو را که شخ ما هستی وانمذارم تا با بسرت بلیعت کندم.

عبد الله خشمگین شد و گفت: به خدا سوگند خدا تو را از غلب آناه نساخته، و آنکه مملو از رو حسادت است که به سرم دارم. امام صادق فرمود: به خدا آنکه نفتم از حسادت نیست و لا اله الا الله و برادرانش و فرزندانش (و دست بر دوش ابوالعباس سفاح نهاد، سپس دست بر دوش عبدالله بن حسن زد و گفت) آری به خدا (خلافت) از آن تو و فرزندان نیست و از آن آنهاست، و دو سر تو گشته خواهند شد. (ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۳۳-۳۳۴)

س از به قدرت رسیدن بنی‌عباس و آغاز سخت‌گیری آنان بر علویان زمنه برای قتل فرام شد و محمد و ابراهیم، فرزندان عبدالله در سال ۳۳۳ ق. قتل گردیدند و هر دو قتل به شست انجام داد و شش و امام صادق (ع) درباره گشته شدن آنها محقق شد. نقل شده است در زمان قتل نفس زینت در مدینه امام برای رهز از مداخله به سود از طرفین، از شهر خارج شد و در ملاقه در اطراف مدینه داشت اقامت کرد و پس از پایان قتل و شست نفس زینت به شهر بازگشت.

اصحاب، شایردان و راویان

شیخ طوسی در رجال خود نام حدود ۳۳۳ نفر را به عنوان راویان امام صادق آورده است (جال طوسی، ص ۳۳۳-۳۳۴) و این عقده از علمای زینت در کتاب رجال خود که در مورد راویان امام صادق (ع) تألیف کرده، این عدد را به چهار هزار نفر رسانده است. (قریشی، نقش امام صادق در تربیت محدثین، مجموعه مقالات همایش امام جعفر صادق، ص ۳۳۳) البته مقصود سازنده هستند که در طول مدت تدریس امام، از او علم فرا گرفته‌اند نه آنکه همه آنها هر روز در محضر او حاضر شوند. (شهیدی، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد (ع)، ص ۳۳۳).

بسیار از اصول اربعه‌م‌ه تألیف شایردان امام صادق است که در مجموعه مقالات همایش امام جعفر صادق نام ۳۳۳ نفر از آنان را از تب رجال شمه استخراج شده است. (قریشی، نقش امام صادق در تربیت محدثین، مجموعه مقالات همایش امام جعفر صادق، ص ۳۳۳-۳۳۴)

شعیبان: جمیل بن درّاج، عبدالله بن مسلمان، عبدالله بن بکر، حماد بن عثمان، حماد بن عسک، ابان بن

عثمان، محمد بن مسلم، معروف بن خربوذ، فضل بن سار، براد بن معاویه، زرارة بن اعلم، ابان بن تغلب، حمران بن اعلم، هشام بن حلم، مؤمن الطاق، جابر بن حمان، عبدالملک بن اعلم، جابر بن زید جعفی، عبدالله بن ابی عفور، شام بن سالم، حداد بن ابی القاسم اسدی، ابوحمزه ثمالی، داوود بن لئیل رقی، ابان بن ابی عمیر، ابن اذینه، بدر بن اعلم، ثعلبة بن مأمون، حمزة ابن حبيب، خالد بن ابی اسماعیل، خالد بن ابی کریم، خالد بن جریر بجل، خالد بن عبدالرحمان عطار، خالد بن ماد قلانس، صفوان بن مهران جمال، خالد بن اوف، خلل بن احمد فراهیدی، خثیمة بن عبدالرحمان، داوود بن سرحان، داوود بن فرقد، عبدالله بن مأمون قداح، عبدالله بن علا حلبی، علا بن قطان، فضل بن عبدالملک بقباق، لاث بن بختری مرادی، قطان بن موسی بغدادی، سلف بن عملره نخعی، حرز بن عبدالله سجستانی، حمران بن اعلم، یهلول، خالد سندی، سلیمان بن مهران، داوود بن نعمان، فضل بن عیاض و زرار بن ادریس اشعری قمی.

شایردان سنی مذهب امام صادق (ع) (علاء السلام)

با مراجعه به کتاب رجال و شرح حال آنان روشن می‌شود که برخی از اصحاب و شایردان امام صادق (ع)، از علمای معروف اهل سنت و عهددار مقام فتوا و منصب قضاوت بوده‌اند و در بین آنان بسطیاری از خاندان صحابه و خلفا و نیز تندتین از امت ممالک معروف و سربانوسان و مورخان و مفسرین دیده می‌شوند. (واعظ زاده خراسانی، محمد، نقش امام صادق (ع) در نهضت علم صدر اسلام، مشاة، شماره ۳۳، ص ۳۳)

برخی از علمای اهل سنت که شایردان را و امام صادق بوده‌اند عبارتند از: ابوحنیفه، مالک بن انس، سفیان ثوری، حداد بن سعید انصاری، سفیان بن عینه، ابن جریر، ابوب سختانی، حداد بن سعید قطان، ابوب سجستانی، محمد بن اسحاق بن سار، حسن بصری و واصل بن عطاء. (۱۳۸۵هـ اطلاع رسانه حوزه).

مؤلف کشف الغمہ نیز گفته است شمار از تابعین از او روایت کرده‌اند از جمله: ابو عمرو بن العلاء و زید بن عبدالله، شعبه بن الحجاج، عبدالله بن عمرو، روح بن قاسم، سلیمان بن بلال، حاتم بن اسماعیل، عبدالعزیز بن مختار، وهب بن خالد و ابراهیم بن طهمان. (اریلی، کشف الغمہ، ۳۳۳ ش، ج ۱، ص ۹۰۳)

امام صادق (ع) در منابع اهل سنت

ابن حجر عسقلانی او را «ذلین توصیف مکنند: الهاشمی العلوی، ابو عبدالله المدنی الصادق. (ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۱۱ به نقل از شهید، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد (ع)، ۱۱۱ ش، ص ۱) و همو نوید: ابن حبان نوید: در فقه و علم و فضیلت از سادات اهل بیت بود. (ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ص ۱۱۱ به نقل از شهید، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد (ع)، ۱۱۱ ش، ص ۱)

ابن حجر هتتم، از علمای اهل سنت، مکتوب: مردم از علم او بندگان نقل کردند که آوازه آن به همه شهرها رسید. امامان بزرگ چون حدیث بن سعید، ابن جریر، مالک، سفیان بن عیینه، سفیان ثور، ابوحنیفه، شعبه بن الحجاج و ابوب سخیان از او روایت کرده‌اند. (ابن حجر الهتتم، الصواعق المحرقة، ۱۱۱ ش، ج ۱، ص ۱۱۱)

با وجود اعتبار سترگ که امام صادق (ع) به عنوان شخصیت دینی خود نزد اهل سنت دارد، آراء و در حوزه فقه نزد آن‌ها حتی به عنوان یکی از فقها مورد توجه قرار نرفته است. در مجموعه‌ها فقه تطبیقی که افزون بر آراء ائمه اربعه اهل سنت، اقوال بسطار از فقیهان متقدم چون اوزاعی و سفیان ثور و ربیعة الرأی و لاث بن سعد و ابن مبارک و امثال آنان از معاصران حضرت به طور گسترده نقل می‌شود، برخلاف انتظار داد از اقوال امام صادق (ع) - دست کم در حد یکی از فقها - به میان نیامده است و همین نکته از سوی برخی عالمان امامیه چون سید مرتضی، به عنوان نقد بر اهل سنت مطرح شده است. و «داد آور می‌شود: «و نه شما آراء امام صادق (ع) را در کنار ابوحنیفه و شافعی نمی‌انهد، حتی در سطح آراء احمد ابن حنبل، داوود ظاهر و محمد بن جریر طبرانی هم از آن داد نمی‌کنند؟ (سید مرتضی، الانتصار، ۱۱۱ ش، ص ۱۱۱)

منابع

1. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۱، حد در آباد، مطبعه نظامیه، ۱۱۱ ش.

2. ابن حجر الهيثمي، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة على اهل الرفض و الضلال و الزندقة، محقق عبدالرحمن بن عبدالله التريفي، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1400ق.
3. ساد مرتضى، على بن الحسين، الانتصار، قم، جماعة المدرسين، 1400ق.
4. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل ابي طالب، قم، علامه، 1400ق.
5. ابن قتيبة الدينوري، عبدالله بن مسلم، المعارف، محقق ثروت عكاشة، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، الطبعة الثالثة، 1400م.
6. ابن طقطقة، الفخر في الاداب السلطانية، بهوش هارتوتو درنيور، شالون سورسون، 1400م.
7. ابن طلحه، مطالب السوول، بيروت، 1400ق.
8. ابوالفرج اصفهاني، مقاتل الطالبين، شرح و تحفة: احمد صقر، بيروت، مؤسسه الاعلم للمطبوعات، 1400م/1400ق.
9. «لقاب الرسول و عترته»، ضمن المجموعة النفيسة، قم، 1400ق.
10. برفي، احمد بن محمد، المحاسن، محقق جلال الدين محدث ارمو، تهران، 1400ش.
11. بلاذري، انساب الاشراف، بهوش سهل زمار و رياض زرني، بيروت، 1400ق.
12. الثقة اللؤلؤي، ابراهيم بن محمد، الغارات، تحفة السيد جلال الدين المحدث، تهران، سلسله انجمن آثار ملا، 1400ش.

13. حمّير، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسة آل البيت، ١٣٣٣ ش.
14. أحمد بن حنبل، مسند، قاهرة، ب نا، ١٣٣٣ ق.
15. ابوالفرج اصفهاني، علاء بن الحسن، مقاتل الطالبين، محقق باظم اشرف، نجف، ب نا، ١٣٣٣ ق.
16. أحمد بن حجر هـتم، الصواعق المحرقة، مكتبة القاهرة، ١٣٣٣ ق.
17. اربلي، علاء بن عـس، كشف الغمة في معرفة الأئمة، قم، الشريف الرضي، ١٣٣٣ ش.
18. لـاتـي، أحمد، «امام جعفر صادق»، تهران، مركز دائرة المعارف بزر اسلام، ١٣٣٣ ش.
19. سـد بن طاووس، علاء بن موسى، الإقبال بالأعمال الحسنة، محقق جواد قـوم اصفهاني، قم، مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلام، ١٣٣٣ ق.
20. جاحظ، عمرو بن بحر، «فضل هاشم علاء عبد شمس»، رسائل رسائل سـاس، بيروت، ١٣٣٣ ق.
21. الشريف المرتضى، علاء بن الحسن، الانتصار، قم: مؤسسة النشر الاسلام، ١٣٣٣ ق.
22. شهـد، سـد جعفر، زندان امام صادق جعفر بن محمد(ع)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلام، ١٣٣٣ ش.
23. الشهرستاني، محمد بن عبدالـم، الملل و النحل، محقق محمد بدران، قاهرة، ب نا، ١٣٣٣ ق.
24. صابر، حسن، تاريخ فرق اسلام، سمت، تهران، هفتم، ١٣٣٣ ش.
25. صدوق، علون اخبار الرضا(ع)، ترجمه علاء البر غفار، ج، تهران: نشر صدوق، ١٣٣٣ ق.

26. صدوق، مال الدین و تمام النعمه، به پوشش علاء البر غفار، تهران، قم.
27. صدوق، محمد بن علاء، مال الدین و تمام النعمه، تحقیق علاء البر غفار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، قم.
28. صدوق، من لا حضره الفقه، ج، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، قم.
29. صدوق، الاملاء، قم، قم.
30. طبرس، فضل بن الحسن، اعلام الور باعلام الهدی، تحقیق مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم.
31. طبر، محمد بن جریر، تاریخ الطبر، بروت، دار التراث، قم، قم.
32. مجلس، محمد باقر، بحار الانوار، بروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
33. شوس، رجال ش، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین، قم.
34. لانی، محمد بن یعقوب، الاذی، به پوشش علاء البر غفار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، قم.
35. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، المؤتمر العالمی لأئمة الشیخ المفید، قم.
36. ملرخانی، عزت السادات، امام صادق (ع) و نظام ساز در اجتهاد، فقه و حقوق خانواده، شماره ۱۱.
37. واعظ زاده خراسانی، محمد، نقش امام صادق (ع) در نهضت علم صدر اسلام، مشیاء، شماره ۱۱، قم.

ش.ش.ش.

38. قریشی، علاء‌الدین، «نقش امام صادق در تربیت محدثین»، در مجموعه مقالات همایش امام جعفر صادق(ع)، تهران، مجمع جهانی اهل بیت، ویرایش دوم، ش.ش.ش.